

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## بحث چگونگی مهندسی بقدرت رسیدن حاکمان جدید در کابل خیال برپانمودن دولت ارزان پرویرانه‌های نظام جمهوری استفاده ابزاری از جنگ بمنظور دستیابی با اهداف سیاسی

نباید مبارزه برای بقا با جیب خرچی معاوضه گردد  
تاریخ بر پایه عواطف و ذهنیت‌ها ساخته نمی‌شود  
فایق آمدن بروحشت مرگ کار آسانی نمی‌باشد  
آیا بازیگران پشت صحنه مقصر می‌باشند؟

مفهوم قدرت و منابع و ابزارهای اعمال آن، همواره در درازای تاریخ دگرگون شده و تکامل پذیرفته است. هر پیشرفت علمی یا فناوری خواه در ابزارهای جنگ یا ابزارهای ناپودگر گروهی و یا در منابع اقتصادی یا سیاسی قدرت بشکلی در رفتار بازیگران نیز تغییراتی را بوجود آورده و در بسا مواقع جایابی در کانونهای قدرت و صاحبان آن ایجاد کرده است. منطقه جنوب غرب آسیا بدلیل پراگندگی نامتوازن منابع قدرت و رفتارهای رقابتی بازیگران از پایان جنگ جهانی تاکنون همواره در تنش و بیثباتی بوده است. در این نوشتار با بررسی دگرگونیهای نوین در مفهوم و منابع قدرت، نتایج آن بر توزیع قدرت و توازن قوا در جنوب غرب آسیا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بررسیها نشان می‌دهد که بویژه در سده ۲۱ و با از هم فروپاشی نظام سنتی توازن قوا در منطقه و از بین رفتن قدرتهای کشورهای عراق، سوریه و حتی لیبیا و ورود بازیگران جدید و کم تجربه ای مانند قطر و امارات متحده به بازیهای منطقه، هرچند و مرج این منطقه را تشدید و بی ثباتی دامنه داری را پی ریزی کرده است. قدرت از جمله مفاهیمیست که در مورد آن نظریه‌ها و دیدگاههای بسیاری طرح شده است. عده ای بر این باورند که جوهره اصلی و روح جاری و اندام واره نظام بین الملل است که نه تنها بمنزله نیروی متحرک شبیه جریان برق در یک مدار الکتریکیست و نه تنها بمنزله ویژگی مشخصه روانی بط انسانی، بلکه هسته اصلی تشکیل دهنده نظام و گویای نظم مشخص میباشد.

همه بخاطر دارند که بتاريخ ۶ ماه میزان سال پار، این خبر که "طالب"ها، شهر کندز، یکی از شهرهای کلیدی در شمال کشور را متصرف گردیدند، جهانیان را در سردرگمی قرار داد. شهر یادشده که با کشور تاجیکستان هم مرز می باشد، از اهمیت استراتژیکی و اقتصادی قابل توجهی برخوردار بوده و مسیر تجاری از کابل با آسیای مرکزی از آن عبور می نماید. در جریان حمله ایالات متحده بکشور عزیز ما افغانستان در سال ۱۳۸۰، کندز همچنان بمنزله یکی از نیرومندترین پایگاههای "طالب"ها در کشور باقی ماند. بتاريخ ۹ ماه میزان، اشرف غنی اعلام نمود که قوت های مسلح کشور، شهر یادشده را مجدد متصرف گردیدند، اما ناظران متذکر گردیده یادآور شدند که درگیری هایی بمنظور تصرف مرکز شهر همچنان تداوم کسب نمود که از جمله بتاريخ ۱۱ ماه میزان سال پار، توسط هوآپیماهای ا. اس. ۱۳۰ در جریان حملاتی برکنندز، به پرتاب بمب های آتش زآ بر بیمارستان "دکتوران بدون مرز" نیز مبادرت ورزیدند که در نتیجه، بتعداد ۲۲ تن از شهروندان ملکی کشور بشهادت رسیدند. جهان عملکرد اینچنینی قوت های نظامیان امریکایی را با شدیدترین الفاظ محکوم نمودند. "دکتوران بدون مرز" اقدام یادشده را جنایت جنگی محسوب نموده و خواهان تحقیق و بررسی بیطرفانه حادثه یادشده گردیدند. علل و عوامل دقیق حمله یادشده هنوز مشخص نگردیده اما گمان می رود که حملات هوایی متذکره علیه آنعده از جنگجویان "طالب"ها سازماندهی و اجرا گردید

کاز نزدیکی های بیمارستان یاد شده مصروف گشودن آتش بر قوت های مسلح دولتی بودند. همچنان، بتاريخ ۱۴ ماه میزان سال پار، جنرال امریکایی جان کمپل در محضر کانگرس کشورش، شهادت داد که قوت های مسلح افغان پس از آنکه مورد تهاجم و حملات پی اندرپی "طالب" ها قرار گرفتند، نامبرده ناگزیر گردید تا از قوت های هوایی امریکایی مستقر در افغانستان، تقاضای کمک بعمل آورد. زمامداران کاخ سپید، تأثرات شان را از انجام چنین حادثه ایی ابراز نموده و به بازمانده های قربانیان و زخمی های یاد شده ابراز همبستگی و غم شریکی (!) نمودند. پرسشی میان می آید که با وجود تماس های مکرر و پیهم "دکتوران بدون مرز"، چرا بمب گذاری بمدت یک ساعت تمام همچنان ادامه داشت؟

بادامه بحث حاضر، بایست متذکر گردید که برای "طالب" ها، کندز بمثابة یکی از جمله بزرگترین شهرهای کشور، بویژه بیک میدان آزمایش قدرت مبدل گردید. بتعداد ۵۰۰ تن از جنگجویان، بیشترین بخش های شهر را که توسط نظامیان کشور از آن نگهداری بعمل می آمد، متصرف گردیدند. وضعیت اینچنینی و قبل از همه این واقعیت برای طرا حان امریکایی بیشتر از همه غم انگیز بود که قوت های مسلح کشور در حدود یک سال تمام از برنامه ها و چگونگی تحرکات و در مجموع، از عملکردهای "طالب" ها اطلاعات و آگاهی اندکی داشتند که در نهایت امر، نتوانستند قادر بدفاع مطمئن از شهر گردند. تصرف کندز به یقین که گواه آمادگی هایی بمنظور انجام عملیات جدید "طالب" ها محسوب گردید. هدف آنها ایجاد وحشت در کابل و آزمایش قدرت و اشنگتن بود که نه منابع لازم داشت، نه میل و نه اراده ای به منظور سهمگیری مجدد در درگیری ها.

ایالات متحده و هم پیمانان آن کشور بایست اعتراف نمایند که سالهای سال، جامعه جهانی تمام امیدواری اش را بر نیروهای امنیتی کشور ما بمثابة ضامن صلح قرار داده بود. از سال ۱۳۸۰ - ۱۳۹۳ مبلغ ۶۵ میلیون دالر بمنظور آموزش و تسلیح و تجهیز اردوی کشور هزینه گردید. پنتاگون با گردن افراشته اظهار نمود که تعداد مجموعی نظا میان قوای مسلح افغانستان در حدود ۳۵۰ هزار تن بالغ می گردد. اما اینکه چه تعدادی از آنها بگونه واقعی خوا هان مبارزه و دفاع از حاکمیت سیاسی در کشور بودند، جای سؤال دارد. فرار گروهی عده ایی از نظامیان، بویژه سربازان قوت های مسلح، افزایش روز افزون تلفات نظامیان، استفاده از مواد مخدر و سلسله موارد متعدد دیگر، بخودی خود، مؤثریت عملکردها و اقدامات قوت های مسلح کشور را کاهش داده و بحد اقل رسانید. ظاهرن، علاوه بر "مدارس خیالی"، "سربازان خیالی" در کشور نیز قلمداد می گردید. اما نباید فراموش نمود که شکست قوت های مسلح کشور بویژه در کندز، مجددن ثمر بخشی و مؤثریت سیاست های مشابه را مورد پرسش قرار داد.

در کنار واقعیت های متعدد دیگر، "طالب" ها در صدد آن شدند تا از تضادهای موجود وضد و نقیض گویی های بوجود آمده در مجموعه دستگاه دولتی که درست یک سال قبل بر کشور حاکم گردیده بود، بگونه گسترده ایی استفاده نمایند. کشور عزیز ما بویژه در امتداد زمانی ریاست جمهوری غنی، در نتیجه اختلافات نامبرده با عبدالله، با معضلات عدیده ای از جمله اقتصاد ضعیف، گسترش بیکاری، ضعف حاکمیت مرکزی و وسعت سواستفاده در دستگاه اداره دولت مواجه گردید.

در زمانی که با موجودیت درگیری های داخلی، ضرورت استفاده و بکارگیری از شبه نظامیان محلی مطرح بحث بود، دولتی در نتیجه فشار های پیهم جان گیری شکل گرفته و یا بعرضه وجود نهاد. غنی در مدت زمان یاد شده چنین می پنداشت که قوت های مسلح کشور بایست بگونه متحدی در قبال مخالفان وارد عمل گردند. اما عبدالله و دوستم در نظر داشتند که همراه با قوت های مسلح کشور، شبه نظامیان نیز باید در عملیات محاربه ایی سهمگیری نمایند.

بتاریخ ۹ ماه میزان در بحبویه نبرد در کندز، صدها تن از شهروندان کابل بجاده ها ریخته و خواستار استعفا ای غنی گردیدند. آنها وضعیت نامطلوب در شهر کابل را نتیجه مستقیم عملکردهای حاکمیت برهبری غنی می پنداشتند که چنین وضعیتی در نوع خود، بمثابة پیروزی اخلاقی "طالب" ها تلقی گردید. "طالب" ها جز این نمی خواستند که حکومت منتخب کشور را ناکاراً جلوه دهند، اما ناکامی های غنی نیز بهمین جا ختم نمی گردید. مدتی پس از آن، عمر دودی و طرفدارانش باشتباهات دولت اشاره نموده و خواهان انتخابات اضطراری در کشور گردیدند.

با در نظر داشت انکشافات پسین در وضعیت کشور بایست متذکر گردید که قبل از همه، تصرف کندز به "طالب" ها این فرصت میسر نمود تا عزم و اراده ائتلاف بین المللی را که سال های سال از دولت افغانستان پشتیبانی و حمایت بعمل می آوردند، مورد آزمایش قرار دهند. "طالب" ها چون بخوبی از برنامه خروج نظامیان خارجی از کشور آگاه بودند، بر این بنیاد میخواستند واکنش ناتورا در مورد یاد شده ارزیابی نمایند. طبق توافقات حاصله، آخرین نظامی خارجی باید تا سال ۱۳۹۴ کشور ما را ترک می نمود. اما "طالب" ها از زمانی بنمایش قدرت مبادرت ورزیدند که در سال

۱۳۹۲ نظامیان خارجی خروج شان از کشورما را آغاز نموده بودند. در امتداد سال متذکره، "طالب"ها حملات شان برکنندرا آغاز نموده و همچنان بخش هایی از ولایت هلمند در جنوب کشور را نیز متصرف گردیدند.

وضعیت اینچنینی در نوع خود، بازی خطرناکی محسوب می گردید. از یکجانب "طالب"ها آرزومند عودت سریع نظامیان خارجی از اراضی کشورما بوده و از جانب دیگر با تصرف کندز و سازماندهی حملاتی به هرات و کابل، واشنگتن را ناگزیر به بازنگری در مورد فراخواندن نظامیان امریکایی از کشورما نمود. دولت برهبری اوپاما معتقد بود تا از مجموع نظامیان کشورش، در حدود ۵ هزارتن آنها همچنان ب موجودیت و حضورشان در افغانستان تداوم بخشند. در غیرآنها، اقدامات اینچنینی در نوع خویش، بیش از پیش به بغرنجی اوضاع در کشورما می افزود. "طالب"ها اراده شان را بمنظور تداوم مبارزه الی خروج کامل نظامیان امریکایی از افغانستان، ابراز نمودند. همه شاهد بودند که مدتی پس از مرگ ملا عمر مؤسس و رهبر "طالب"ها، ملا اختر محمد منصور بمثابه جانشین نامبرده از جانب "طالب"ها برگزیده شد. نامبرده از مذاکره و گفتگو با کابل امتناع ورزیده و اعلام نمود که الی "مستقر شدن قانون اسلام"، به جهاد همچنان ادامه خواهند داد.

بیشتر از این نمی توان شک و تردیدی بخود راه داد که "طالب"ها در هیچ مقطعی اصلن خواهان و طرفدار مذاکرات صلح آمیز نبودند. اما در شرایط و وضعیت یادشده، جنگجویان "داعش" با نحوه عملکردهایشان، توجه همه را بخود معطوف نموده بودند. "طالب"ها با استفاده از فرصت بوجود آمده، به سازماندهی مجدد صفوف شان مبادرت ورزیده و منتظر خروج کامل نظامیان ناتو از سرزمین کشورما بودند تا حملات گسترده و وسیع شان را بویژه در مرکز کشور آغاز نمایند. مذاکرات و گفتگوهای قطریه نتایج دلخواهی منجر نگردیده و اقدامات بعدی تداوم ملاقات در اسلام آباد، بویژه پس از آنکه دولت افغانستان خیرمرگ ملا عمر را به نشر سپرد، نیز به ناکامی انجامید.

بنابراین، "طالب"ها بگونه واضح و مبرهنی بمنظور کسب زمان و بدست آوردن فرصت مساعد تلاش ورزیده و در مذاکرات و گفتگوها نیز بگونه خرنده ای تلاش بعمل می آوردند. ائتلاف بین المللی هنوز هم بگونه ای امیدوار شرکت و سهمگیری "طالب"ها در مذاکرات و گفتگوها بودند، اما "طالب"ها بویژه در شرایط رهبری ملا منصور پیش از پیش به تحکیم مواضع خویش مبادرت ورزیده و مناطق و محلاتی را در اطراف کابل و همچنان در گرد و نواح کندز، بغلان، بدخشان، کنر، ننگرهار، لوگر، ذابل، هلمند و هرات متصرف گردیدند. آنها از مجموع ۳۹۸ واحد اداری کشور بر ۷۰ واحد اداری نظارت داشتند. غنی بزودترین فرصت ممکن خواهان تشکیل کمیسیون و تعیین هیاتی بمنظور مطالعه و بررسی سقوط کندز و مجازات مسؤلان قبلی دولتی در شهرداری شده گردید. هیات پس از انجام بررسی های مقدماتی، اعلام نمود که مسؤلان دولتی در کندز در قبال حوادث و تحرکات طرف مقابل بسیار دیر جنبیده و فرصت های موجود را از دست دادند.

نباید فراموش گردد که پس از تیراندازی بر بیمارستان کندز، همه توجهات بیشتر متوجه تحقیق و بررسی حادثه یادشده گردید، اما بدون در نظر داشت سهم و نقش ایالات متحده، نیروهای امنیتی افغان و یا ناتو، حادثه یاد شده، بهیچوجه نباید بمثابه بهانه ای بمنظور نادیده انگاشتن خطر فزاینده از جانب "طالب" پنداشته شود.

در شرایط و وضعیت کنونی، زمینه های عملی حل و فصل معضلات و مشکلات موجود در کشور عزیزما افغانستان در صورتی میسر و امکان پذیر می باشد که حاکمان کنونی کشور همراه با کشورهای همجوار افغانستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی، چین، ایران و مهمتر از همه با پاکستان که از اثرگذاری بیشتری بر "طالب"ها برخوردار می باشد، بگونه مشترک و صادقانه در امر تأمین ثبات سراسری و استقرار صلح در کشور عزیزما، واقعیت ادعای شان را از قوه بفعل مبدل نمایند.

اکنون بیش از هر زمان دیگری، این واقعیت با ثبات رسیده است که زمان بمنظور استفاده و بکارگیری از ابزار نظامی، بویژه بمنظور حفظ صلح شکننده در کشور عزیزما افغانستان، به پایان رسیده و تمام شده است.

شنبه ۸ ماه دلو سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۲۸ ماه جنوری سال ۲۰۲۳ ترسایی